اخبار اخیره ایران

اروپائی را نیز از دست دادند و قشون بی‏سر و صاحب بقتل و غارت رعیّت‏ دست دراز نمودند.نایب السلّطنهء پنجاب محض رفع شرّ آنها خواست‏ تمهیدی نموده باشد و آنان را ترغیب باستیلای متصرّفات کمپانی نمود.در سال 1261 شصت هزار پیاده و سواره از رود ساتلج‏1که سر حدّ ما بین پنجاب و ممالک متصرّفهء کمپانی بود عبور نموده و سیل‏وار بطرف‏ جنوب سرازیر گردیدند و پس از کارزارهای خونین و کشتار فراوان‏ بالاخره قورخانهء خود را از دست داده بطرف پنجاب فرار کردند.لرد هاردینگ‏2که فرمانده قشون کمپانی بود فتح و الحاق پنجاب را شرط خردمندی ندانست چه در آن هنگام کم‏کم مصارف سالیانهء کمپانی بملاحظهء لشکرکشیهای پی‏درپی بیست و چهار کرور فرانک بر عایدات آن افزون‏ گردیده و عدّهء سپاهیان دو برابر قشون خود انگلیسان شده بود.لهذا از الحاق پنجاب صرف نظر نموده اجرای«اصول اعانهء»را که فوائد بیشمار ان‏ دستگیر انگلیسها گریده بود بمصلحت نزدیکتر دیدند و هیئتی بعنوان حمایت‏ راجهء بزرگ که طفلی خرد بود تعیین و با قشونی مرکّب از ده هزار نفر انگلیسی و و هندو که بحفظ و حراست این هیئت مأمور بودند بلاهور پای‏تخت پنجاب‏ گسیل داشتند.ولی از این مقدّمه چهار سال بیش نگذشته بود که شورش‏ سهمگینی در مملکت پنجاب روی داد و تا رسیدن قشون امدادیّهء کمپانی قسمت‏ مهمّی از قشون انگلیس و هندو که بعنوان ساخلو در لاهور اقامت داشتند بهلاکت رسیدند.و وقتی که صد هزار قشون کمپانی با صد عرّاده توپ رسید باز هم شورشیان در چیلیانوالا3فتحی نمودند و سه هزار نفر از قشون‏ دشمن را بخاک هلاک انداختند ولی بالأخره مغلوب لشکر کمپانی که عددا فایق بوده گردیده و در 22 ربیع الثّانی 1264 لرد دالهوزی‏4حاکم کلّ‏ هندوستان از طرف کمپانی اخطارنامهء صادر نمود که رسما انقراض‏ سلطنت پنجاب را اعلام میداشت.

انقراض سلطنت عوض(اوده)5

پس از پنجاب در هندوستان مملکتی که مستقلّ مانده بود ملک عوض‏ بود.هرچند که آن هم از استقلال فقط اسمی داشت چه سالیانه بیشتر از چهل و شش کرور فرانک خراج‏گذار کمپانی بود و غالبا پادشاه را نیز کمپانی‏ در عوض مبالغی هنگفت معیّن مینمود.در سال 1270 کمپانی اظهار نمود که شاه عوض قابل سلطنت نیست و صورت استعفانامهء باو فرستاده‏ و درخواست نمود که آنرا امضا نماید.پادشاه عوض موسوم بولید علی شاه‏ ابتدا خواست از امضاء آن استعفا نامه امتناع نماید ولی در مقابل تهدیدات‏ کمپانی جسارت نورزید و شخصا برای احقاق حقّ خویش بکلکتّه مرکز متصرّفات کمپانی رفت ولی فریاد و فغانش بی‏اثر ماند و دیری نگذشت که‏ از غصّه جان سپرد.پس از او زوجه‏اش که زنی دلیر و مردانه بود بانگلستان رفته و در آنجا محاکمهء بر پا نمود که آوازهء آن در اغلب ممالک عالم‏ پیچید و دامنه‏اش بپارلمان هم کشید ولی با وجود اظهار همدردیهای فراوان‏ از طرف سران و بزرگان انگلیس کار بیگم بی‏نوا بجائی نرسید و بپاریس‏ رفته در آنجا درگذشت و منظرهء غم‏افزای عبودیّت کلّ ممالک هندوستان را با خود بخاک برد(سنهء 1275).

مقارن این احوال در سنهء 1273 شورشی فوق العاده سهمگین در هند بروز نمود و مقدّرات کمپانی را زیر و زبر کرد و ما در شماره‏های آتیه‏ انشاء اللّه بشرح آن و تفصیل حال حالیّهء هندوستان خواهیم پرداخت.

شاهرخ

اخبار اخیرهء ایران

در ایران اخیرّا جنگ در حوالی دولت‏آباد و راه همدان و عراق‏ حالت توقّف پیدا کرده یعنی اگرچه مستمرّا جنگ میشود ولی پیشرفت‏ مهمّی از طرفین نشده و عثمانیها اندکی پیش رفته‏اند و مکرّرا حمله‏های سخت‏ روسی را دفع کرده‏اند.در طرف گرّوس و کردستان ایران نیز عثمانیها باز پیشرفت دارند و شهر بیجار حاکم‏نشین گرّوس را تصّرف کرده‏اند. بالأخره در ایران غربی و مرکزی هم نفوذ ملیوّن ایرانی و قوای عثمانی‏ در وسعت و انتشار است.بروجرد و لرستان بحیطهء حکومت ملّی درآمده‏ و اصفهان نیز بدست بختیاریان و سایر ملیوّن افتاده و قشون روسی در آنجا شکست خورده و فرار کرده‏اند و خبر رسمی روس عقب نشستن‏ این قشون را تا کاشان بشکل تصرّف کاشان از طرف قشون روس مینمایاند در صورتی که کاشان میان قم و اصفهان است و مدّتها پیش از اصفهان‏ بدست روسها افتاده بود.

از تأثیر پیشرفت قشون عثمانی در طرف همدان در طهران هم‏ هیجانی پدیدار شده و متعاقب دخول عثمانیان بهمدان اتباع دول متفّقه‏ اموالشان را در طهران هراج کرده و رو بفرار گذاشته‏اند.قونسول‏ روس در آن شهر برشت رفته و سفارتهای آن دول تدارک حرکت‏ دیده و مهیّای فرار نشسته‏اند و حتّی بدولت ایران و اعلیحضرت همایونی‏ نیز تکلیف و اصرار کرده‏اند که ایشان نیز در موقع نزدیک شدن‏ عثمانیان بطهران پایتخت را تغییر داده بیکی از ولایات شمالی نقل کنند. اعلیحضرت تکلیف سفرای روس و انگلیس را نپذیرفته و رجوع بمشورت‏ و صوابدید یک مجلس عالی درباری کرده‏اند که در این باب رأی بدهد. جناب وثوق الدّوله که در همان وقت تازه بریاست وزرا منتخب شده‏ ولی هنوز هیئت وزرا را تشکیل نداده بودند مأمور میشوند که مجلسی‏ مرکّب از 35 نفر از شاهزادگان بزرگ درجهء اوّل و وزرای قدیم‏ و علمای بزرگ به صاحبقرانیّه دعوت کنند.در 19 شوّال مجلس‏ منعقد شده و با 33 رأی برخلاف 2 رأی حرکت موکب همایونی و تبدیل‏ پایتخت را صلاح ندیده ردّ کردند.

یکی دیگر نیز از تأثیرات غیر مترقبهء فتح همدان تعطیل روزنامهء روس‏ پرست«اطّلاعات»است در طهران که مدیر آن یک ارمنی بود میشل نام، روزنامهء مذکورهء موّرخهء 18 شوّال در مقالهء افتتاحیّهء خود بعنوان «خداحافظی موقّتی اطّلاعات»تعطیل«موقّتی»خود را بقارئین خبر میدهد وداغی خونین بر دل احبّا و اصدقای خود میگذارد.از مقالهء که اطّلاعات‏ در همان شماره در تحت عنوان«تصرّف همدان»مینویسد تأثیر شدید فتح‏ همدان و هیجانی که پیشرفتهای عثمانیها در طهران احداث کرده بخوبی معلوم‏ میشود.از جمله مینویسد:

«اگرچه خیلی مشکل است مشخّص و پیش‏بینی کرد که تا کی این‏ پیشرفت امتداد خواهد حاصل نمود لیکن محقّق است که عقب‏کشی قشون‏ روس قطعی است.ایالات لرستان و عراق و طهران بدون دفاع بوده‏ و قوای روس منفعت خود را باین خواهد دانست که بطرف سر حدّات‏ و حدود عملیّات خویش عقب رفته و بدین ترتیب خطّ ترکها را طویل و ممتدّ کرده و بالعکس خطّ خود را تنگ کرده و امدادیّه بگیرند.

برای اینکه صریح و بی‏پرده و براستی ما صحبت کرده باشیم این مطلب را باید محقّق دانست که یک تهدید قطعی متوجّه ایالات طهران است و مرکز کاملا ستونهای آلمان و عثمانی را که درصدد ابراز جنبش هستند دیدن‏ خواهد کرد».

اوضاع رومانی

در اواخر ماه ذی القعده پیشرفت سریع قسون رومانی در ایالت‏ زیبنبورگن(ترانسیلوانی)بک دفعه دوچار توقّف سریع گردید.خلاصهء وقایعی‏ که اخیرا در آن صفحات روی داده از قرار ذیل است:

در 38 ذی القعده جنگ سختی میان قشون آلمان و اطیش که‏ بفرماندهی ژنرال فون فالکنهاین مأمود بیرون کردن رومانیها از زیبنبورگن بودند و اردوی اوّل و دویم رومانی در گرفت و چهار روز متوالی‏ طول کشید و بالأخره با شکست فاحش رومانیها ختام یافت.در دوّم‏ ذی الحجّه آلمانیها و اطریشیها داخل شهر معتبر هرمانشتاد که مدّتی بود آنرا تخلیه کرده بودند ولی هرگز بدست دشمن نیفتاده بود گردیدند و زیاده بر 000‘3اسید و 13 توپ و 2 هوا نورد و 10 لوکوموتیف و 300 عرّابهء پر از ذخیره و مهمّات و 70 اتوموبیل و غیره و غیره بدست آوردند.

در اوایل ذی الحجّه عدّهء معتنی بهی از قوای رومانی قریب به‏ 000‘16 هزار نفر از پل بزرگ روی دانوب در جنوب بخارست عبور کرده داخل خاک بلغار شدند و چند قریهء کوچک را تصرّف کرده‏ و شروع بکشتار عامّ و آتش زدن بخانها نمودند.در این اثنا از یک طرف‏ کشتیهای جنگی اطریشی با وجود گلوله باران شدید رومانیها از دو طرف دانوب پل بزرگ روی نهر را خراب کردند و از طرف‏ دیگر قوای آلمانی و بلغاری که در جنوب منتظر فرصت بودند برومانیها حمله آوردند.رومانیها پراگنده شده قسمتی بطرف توتراکان‏ و قسمتی دیگر بطرف دانوب فرار کردند.قشون متّحدین آنها را تعاقب کرده و نگذاشتند تقریبا احدی از آنها بسلامت جان بدر برد و بنا باخبار روزنامها تمام میدان جنگ جنوبی دانوب پر از نعش رومانیها بود و در میان کشتگان دو نفر از مخبرین روزنامهای فرانسه بود که از جیب‏ و بغلشان بلگرافات راجع بفتوحات جدیدهء قشون رومانی-بیرون آمد.

در 9 ذی الحجّه قشون متّحدین در تمام صف جنگ زیبنبورگن‏ رومانیها را عقب نشانده و شهر مهمّ کرونشتاد را پس از سه روز جنگ‏ بسیارسخت باز پس گرفتند و 200‘1 اسیر و 25 توپ و 810 واگون‏ راه‏آهن اغلب پر از آذوقه و خوراک بدست فاتحین افتاد و بعضی جاها از سرحدّ رومانی نیز عبور کردند.

از آن طرف هم قشون آلمان و بلغار و عثمانی در دو برجه بعد از فتح‏ توترکان و سیلیستره پیشرفتهای نمایان کرده و تا نزدیکی بندر کوستنجه‏ رسیده‏اند.

«عباراتناشتّی و حسنک واحد»

پوپولو دیتالیا روزنامهء مسیو موسولینی‏ قبل از اعلان جنگ رومانی:

«خوب است که بالأخره آنهائی که‏ رومانیها را یک«ملّت خواهر» میخوانند کوتاه کنند.رومانیها از نژاد لاتین نیستند هرچند این نام‏ نجیب را بخود بسته‏اند.ایشان یک‏ اخلاطی هستند از ملل وحشیّه که‏ سابقا رومیان ایشان را مسخّر کردند و بعدها با صقالبه و تاتار و مغول و هیاطله‏ و اتراک و یونانیها ازدواج و تناسل‏ نمودند.و بآسانی میتوان تصوّر کرد که چه معجونی از ترکیب این‏ عناصر غریبه بدست خواهد آمد. رومانی امروزه نیز نیست مگر یک‏ وحشی و یک انسان پستی که مانند میمون تقلید پاریسیها را در میآورد و حال آنکه طرف ریشخند تمام‏ فرانسه‏هاست رومانی کسی است‏ که میخواهد همیشه در آب گل‏آلود ماهی بگیرد بشرط آنکه خطری برای‏ او نباشد تا بسرعت هرچه تمامتر از آن احتراز کند،چنانکه این‏ فقره را در سال 1913 بعالمیان بخوبی‏ نشان داد».

پویولو دیتالیا روزنامهء مسیو موسولینی‏ بعد از اعلان جنگ رومانی:

«رومانیها با درخشیده‏ترین وضعی‏ ثابت نمودند که ایشان اولا خلف‏ رومیهای قدیم هستند که مانند خود ماها از صلب آنها پائین آمده‏اند. رومانیها برادران تنی ما هستند که با آن جرأت و همّت که از خواصّ‏ آنهاست در این جنگ نژاد لاتین‏ واسلاو بر ضدّ نژاد جرمانی،یا بعبارة اخری جنگ آزادی و تمدّن و حقّ‏ بر ضدّ ظلم پروسی و استبداد و وحشیگری‏ و خودخواهی،شرکت نمودند. مانند سال 1877 اکنون نیز رومانیها نشان خواهند داد که قابل چه چیزها هستند در صورتی که دوش بدوش‏ با متّحدین شجاع و دلاور ما روسها در مقابل ترکهای وحشی جنگ‏ کنند.البتّه از یک چنین ملّت‏ نجیبی که شرافت تعلّق بنژاد لاتین را حایز است آن نژاد لاتینی که سابقا دنیا را حکومت مینمود طور دیگر ممکن نبود بتوان انتظار داشت).